باسم پروردگار رحیم مهربان

ای محمّد قبل علی بشنو ندای محبوب باوفا را که از شطر ابهی ندا میفرماید و میفرماید ای بندهٴ من و پسر کنیز من ندایت را اصغا نمودیم و نجوایت را شنیدیم در کلّ اوان طرف عنایت بمتوجّهین ناظر بوده و خواهد بود نفسی از نفسی بدوستی برنیامد مگر آنکه بساحت دوست حقیقی وارد شد ای محمّد قبل علی اگر روایح عطریّه که از شطر رحمت مالک بریّه مرور مینماید استشمام کنی بتمام جان و روان باین کلمه ناطق شوی و مابین عباد باسمم صیحه زنی یا عباد قسم بجمال محبوب اینست رحمتی که همهٴ ممکنات را احاطه نموده و اینست یومی که در آن فضل الهی جمیع کائنات را فراگرفته ای علی عین رحمتم در جریان است و قلب شفقتم در احتراق چه که لازال دوست نداشته که احبّایش را حزنی اخذ نماید و یا همّی مسّ کند اگر اسم رحمانم مغایر رضا حرفی از احبّایم استماع نمود مهموماً مغموماً بمحلّ خود راجع شد و اسم ستّارم هر زمان مشاهده نمود نفسی بهتکی مشغول است بکمال احزان بمقرّ اقدس بازگشت و بصیحه و ندبه مشغول و اسم غفّارم اگر ذنبی از دوستانم مشاهده نمود صیحه زد و مدهوش بر ارض اوفتاد ملائکهٴ امریّه بمنظر اکبر حملش نمودند ونفسی الحقّ یا نبیل قبل علی احتراق قلب بها از تو بیشتر است و نالهٴ او عظیمتر هر حین که اظهار عصیان از نفسی در ساحت اقدس شده هیکل قدم از حیا ارادهٴ ستر جمال خود نموده چه که لازال ناظر بوفا بوده و عامل بشرایط آن چون کلماتت تلقاء وجه مذکور شد قد تموّج بحر وفائی و مرّت نسمات غفرانی و اهتزّت سدرة عنایتی و دارت سمآء فضلی قسم بآفتاب افق باقی که از حزنت محزونم و از همّت مهموم آهت از سرادق ابهی نفوذ نمود و بمقرّ امنع اقدس اعلی فائز شد ناله‌ات استماع گشت و نوحه‌ات بسمع مالک قدم رسید طوبی لک ثمّ طوبی لک اقرارت در مکمن مختار بهیکل بدیع ظاهر و اعترافت در منظر غفّار بطراز منیع باهر انت تعترف و انا المعترف و انت تقرّ و انا المقرّ چه که اعتراف مینمایم بخدمات تو و شدّتهای واردۀ بر تو که در سبیلم حمل نمودی یشهد بحبّی ایّاک کلّ الذّرّات ای علی این ندایت بسیار محبوب است بنویس و بگو و بخوان ناس را بشطر پروردگار عالمیان بحرارت و جذبی که جمیع را مشتعل نماید قل

 یا الهی و محبوبی و محرّکی و مجذبی و المنادی فی قلبی و محبوب سرّی لک الحمد بما جعلتنی مقبلاً الی وجهک و مشتعلاً بذکرک و منادیاً باسمک و ناطقاً بثنائک ای ربّ ای ربّ ان لم تظهر الغفلة من این نصبت اعلام رحمتک و رفعت رایات کرمک و ان لم یعلن الخطآء کیف یعلم بأنّک انت السّتّار الغفّار العلیم الحکیم نفسی لغفلة غافلیک الفدآء بما مرّت عن ورائها نسمات رحمة اسمک الرّحمن الرّحیم ذاتی لذنب مذنبیک الفدآء بما عرفت به اریاح فضلک و تضوّعات مسک الطافک کینونتی لعصیان عاصیک الفدآء لأنّ به اشرقت شمس مواهبک من افق عطائک و نزلت امطار جودک علی حقایق خلقک ای ربّ انا الّذی اقررت بکلّ العصیان و اعترفت بما لا اعترف به اهل الامکان سرعت الی شاطئ غفرانک و سکنت فی ظلّ خیام مکرمتک اسألک یا مالک القدم و المهیمن علی العالم بأن تظهر منّی ما تطیر به الأرواح فی هوآء حبّک و النّفوس فی فضآء انسک ثمّ قدّر لی قوّة بسلطانک لأقلّب بها الممکنات الی مطلع ظهورک و مشرق وحیک ای ربّ فاجعلنی بکلّی فانیاً فی رضائک و قائماً علی خدمتک لأنّی احبّ الحیوة لأطوف حول سرادق امرک و خیام عظمتک ترانی یا الهی منقطعاً الیک و خاضعاً لدیک فافعل بی ما انت اهله و ینبغی لجلالک و یلیق لحضرتک

 ای علی بعنایت ربّ العالمین فائز بوده و هستی بحول و قوّهٴ او بایست مابین عباد بر نصرت امرش و اعلای ذکرش محزون مباش از اینکه صاحب علوم ظاهره و خطّ نیستی ابواب فیوضات کل در قبضهٴ قدرت حقّ است بر وجه عباد گشوده و میگشاید انشآءاللّه این نفحهٴ لطیفه در کلّ اوان از شطر قلبت در عالم مرور نماید بشأنی که ثمرات آن در کلّ دیار ظاهر شود او است مقتدر بر هر شیء انّه لهو المقتدر العزیز القدیر

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر